فصلنامه ایده های نوین روانشناسی
دوره ۱۵، شماره ۱۹، زمستان سال ۱۴۰۱

بررسی مبانی فلسفی نظریه یادگیری رفتارگرایی

رویا داوودی شاندیز[۱]

چکیده

رفتارگرایی فلسفی یکی از شاخه‌های فیزیکالیسم است. فیزیکالیسم نظریه‌ای است که نفس و حالات نفسانی را یا غیرواقعی می‌داند (فیزیکالیسم حذف گرا) و یا برای آنها واقعیتی جز امور مادی قائل نیست (فیزیکالیسم فروکاهش گرا). رفتارگرایی فلسفی نوعی فیزیکالیسم فروکاهش گراست که بر مبنای آن نفس و حالات نفسانی با رفتار بیرونی انسان همسان پنداشته می‌شوند. این نظریه مبتنی بر سه دیدگاه است: رفتارگرایی روان‌شناختی، نظریه تحقیق‌پذیری معنا و نظریه زبان خصوصی ویتگنشتاین. یادگیری فرایندی پیچیده است که افراد از دیدگاه‌های مختلف به بررسی آن پرداخته‌اند و هر یک جنبه‌ای از یادگیری انسان را به تصویر کشیده است. در یک تقسیم‌بندی نظریه‌های یادگیری را به چهار نظریه رفتارگرایی، شناخت‌گرایی، سازنده‌گرایی و ارتباط گرای تقسیم کرده‌اند. بر همین اساس در این مقاله به مروری اجمالی بر مبانی نظریه یادگیری رفتارگرایی پرداخته شد.

واژه‌های کلیدی: نظریه یادگیری، رفتارگرایی، رفتارگرایی روان‌شناختی

۱دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، ، **دانشگاه آزاد اسلامی**، واحد علوم و تحقیقات، ایران.(royadavoodishandiz@yahoo.com)

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

فصلنامه ایده های نوین روانشناسی
دوره ۱۵، شماره ۱۹، زمستان سال ۱۴۰۱

مقدمه

رفتارگرایی که یکی از مکتب‌های پرنفوذ روان‌شناسی است، نه‌تنها در این زمینه، بلکه در سایر علوم، نظیر جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی و تعلیم‌وتربیت، تأثیر و نفوذ علمی داشته و دارد. از جنبه‌های عمدهٔ این نظریه که به آن ویژگی خاصی داده است می‌توان از عینیت‌گرایی نام برد که بر اساس یک نگرش فلسفی، تحت عنوان «پوزیتیویسم» استوار شده است(پناهی, قائدی, ضرغامی و عبداللهی،1395)

در دیدگاه رفتارگرایان، انسان یک ارگانیسم تجربه‌گراست که استعداد بالقوه‌ای برای هر رفتاری دارد. به اعتقاد این گروه، انسان در بدو تولد مانند لوح سفیدی است که هیچ‌چیزی بر آن نوشته نشده است (هراسیم[۱]،۲۰۱۷). در این مکتب هدف تعلیم‌وتربیت، یعنی تشکیل ذهن به‌وسیله ایجاد ارتباط و اتحاد میان محتویات ذهنی که به‌وسیله امور خارجی وارد ذهن شده است. بنابراین نظریه، قوای ذهنی مثل حافظه، دقت و تفکر، ادراک و حتی احساسات عبارت‌اند از ترتیبات و تداعی‌هایی که در اثر برخورد ذهن با عوامل و موقعیت‌های جدید به وجود آمده‌اند. جان لاک[۲]،جرج برکلی[۳]،دیوید هیوم[۴] و جان استوارت[۵]میل به گسترش تجربه‌گرایی یاری رساندند. به اعتقاد آنان معرفت واقعی از راه حواس حاصل می‌شود و ادراک تجربه حسی تنها وسیله ارتباط انسان تا واقعیت‌ها و جهانی است که او را دربرگرفته است. این برداشت سبب شد که پژوهندگان به‌جای عقل فطری و نیروهای ذاتی به اهمیت حواس و نقش همخوانی و نظریه‌های محرک و پاسخ توجه کنند. لاک معتقد است در رشد آدمی، نخست احساس ظاهر می‌شود. احساس پیش نیازی برای تفکر است. زیرا، برای آن که ذهن بتواند عمل تفکر را انجام دهد نخست باید دارای اندوخته‌ای از تأثیرات حسی باشد (سیل، لمن، بلومشین و پودوسکی،۲۰۱۴[۶]). انسان در هنگام تفکر تأثیرات حسی گذشته را به یاد می‌آورد و آنها را به شیوه‌های مختلف با هم ترکیب می‌کند، تا امور انتزاعی و سایر اندیشه‌های سطح بالاتر را بسازد. همه تصورها صرف‌نظر از انتزاعی بودن و پیچیده بودن آنها،

---

[۱] Harasim
[۲] John Locke
[۳] George Berkeley
[۴] David Hume
[۵] John Stewart
[۶] Seel,Lehmann, Blumschein & Podolskiy

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

از این دو منبع سرچشمه می‌گیرند، با وجود این، منبع نهایی همان تأثیرات حسی یا تجربه است. بارکلی نیز معتقد است، تمامی مواد و مصالح معرفت از ادراک حسی ناشی می‌شود و معرفت را مبتنی بر ادراک حسی می‌داند. معرفتی که از تعقل و استدلال ناشی می‌شود باید نهایتاً بر معرفت مبتنی بر ادراک حسی استوار گردد. طبق رفتارگرایی، معرفت، می‌تواند به‌صورت عکس‌العمل مشروط تشکیل شود. در این جریان، مشابهت، تضاد و یا مجاورت دو امر با هم و درک ارتباط به‌وسیله فرد، باعث تشکیل معرفت می‌شود. تکرار یک کلمه در مجاورت با شیء معین یا خواندن یک شعر و تکرار آن، خودبه‌خود امری را به ذهن فرد منتقل می‌سازد. در این جریان، فهم دخالت ندارد و کسب معرفت خودبه‌خود صورت می‌گیرد، تکرار و تمرین، شرط اساسی کسب معرفت است. واضح است که نظریه‌های یادگیری در جهت توجیه و تفسیر نحوه انجام یادگیری به وجود آمده‌اند و سعی دارند تا مکانیزم یادگیری و تأثیر شرایط و محرک‌های درونی و بیرونی را در نحوه یادگیری بیان کنند. آگاهی از این نظریه‌ها به معلم کمک می‌کند تا بینش فکری خود را در مورد آموزش و تدریس گسترش دهد و بداند که هر انسانی باتوجه‌به فلسفه‌ای که در ذهن دارد می‌تواند آموزش را به طرق گوناگون ارائه دهد. وقتی معلم به نگرش‌های مختلف فلسفی مجهز شده باشد، بهتر می‌تواند روش مناسبی را بکار گیرد (سارلی و ملکی،۱۳۹۶). رویکرد رفتارگرایی باتکیه‌بر اصول اثبات‌گرایی، مطالعه عینی و رابطه محیط با رفتار تحت کنترل به‌عنوان یک پارادایم غالب، در قرن ۲۰ به شمار می‌رود.در این رویکرد، توجه به عینیت، هدف اصلی روان‌شناسی است. رفتارگرایان برای تحقق هدف فوق، حیوانات را مورد آزمایش قرار داده و این روش را سنگ بنای نظریه و عمل قرار می‌دهند. آن‌ها، بدون هیچ‌گونه تفسیر ذهنی در پیش‌بینی و مهار رفتار، مشاهده عینی رفتار را منبع اصلی اطلاعات به‌حساب می‌آورند .بنیاد معرفت‌شناسی رفتارگرایی را می‌توان در اندیشه‌های آن دسته از فیلسوفان انگلیسی قرن ۱۸ و ۱۷ که اصطلاحاً تجربه به تصورات نامیده می‌شود تلاشی بود برای اثبات این که کل‌گرا خوانده می‌شوند، یافت. مثلاً آنچه معمولاً نگرش جدید لاک مواد لازم برای معرفت از تجربه حسی اخذ می‌شود و اینکه تمام معرفت ما بر تجربه مبتنی است .هدف عمده رفتارگرایان، تعیین یا کشف قوانین حاکم بر یادگیری است، چرا که یادگیری عامل واقعی و عینی رفتار است .ارسطو، فیلسوف بزرگ یونانی با مطرح ساختن و بکار بردن مفهوم "تداعی معانی" تقریباً نخستین اندیشمندی است که رفتارگرایی را بنیان گذاشته است.از نظر رفتارگرایی، رفتار هر چیزی است که ما انجام می‌دهیم و مستقیماً قابل‌مشاهده است. از نظر رفتارگرایان، تفکرات، احساسات و انگیزه‌ها

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

موضوعات مناسبی برای علم رفتار نیستند .چون مستقیماً قابل‌مشاهده نیست. در این رویکرد، همچنین بر اهمیت پیوند بین تجارب و رفتار کودک، تأکید می‌شود، بیان می‌کند که رفتارگرایان عادت‌ها محصول یادگیری محسوب می‌شوند و به‌وسیله سه قانون بنیادی شکل می‌گیرند:۱ - شرطی‌شدن پاسخ گر ۲ - یادگیری مجاورتی ۳- شرطی‌شدن کنشگر .بیان می‌دارند نظریه رفتارگرایی، ضرورتاً به یادگیری به‌عنوان یک فرایند کسب شده از رفتارهای جدید نظر دارد که خود را در چهارچوبی از پاسخ‌های خاص و مستقل از فرایندهایی که در دانش‌آموزان اتفاق می‌افتد، نشان می‌دهد؛ این رویکرد در برنامه درسی، پاسخ‌هایی با روش‌های متفاوت ارائه کرده و انتظارات و تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان در فرایند تدوین برنامه درسی را مورد بررسی قرار نمی‌دهد (شیری، اشرفی فرد، کرمی، زارعی و گندم‌کار،۱۳۹۹). اگر بخواهیم تصویر روشنی از مکتب رفتارگرایی معاصر به دست دهیم، لازم است عقاید اسکینر را ملاک عمل قرار دهیم وگرنه مراجعه به عقاید گذشتگان و نظریه‌پردازان پیشین این مکتب که اکنون بیشتر، اهمیت تاریخی دارند مبنای قضاوت درستی درباره وضع موجود رفتارگرایی برای ما فراهم نمی‌آورد. اسکینر، استاد سابق دانشگاه هاروارد پرچمدار مکتب رفتارگرایی امروزی و یکی از شخصیت‌های بحث‌انگیز روان‌شناسی معاصر است. او روان‌شناسی را علم رفتار می‌داند که در کتاب علم و رفتار انسان (۱۹۵۳)شالوده آن را ریخته است. وی در واقع، عقاید ثرندایک را گسترش داد. نظریه اسکینر در رفتارگرایی با نام شرطی عامل می‌باشد .شرطی عمل که بر اساس پیامد رفتار رخ می‌دهد، منجر به تغییر در احتمال وقوع رفتار آینده خواهد شد. این موضوع، قلب نظریه رفتارگرایی اسکینر. نظریه اسکینر بر دو فرض‌بنیادی قرار دارد. یکی اینکه وی معتقد بود که رفتار انسان از قوانین خاصی پیروی می‌کند و دیگر این که علت‌های رفتار در بیرون شخص قرار دارند و می‌توان آن‌ها را مشاهده و بررسی کرد. وی معتقد بود تنها با تحلیل آزمایشی رفتار است که می‌توان درک و تبیین درستی از یادگیری به دست آورد. محیط مستقیماً و بدون واسطه فرایندهای ذهنی، انسان را کنترل می‌کند و روان‌شناسی می‌تواند با اطمینان، این فرایندها را از حیطه مطالعات روان‌شناسی علمی حذف کند. او می‌گوید: "توجه به درون موجود زنده به‌منظور توصیف رفتار، عواملی را که به‌سهولت قابل‌بررسی علمی‌اند، نادیده می‌گیرد. این عوامل در بیرون موجود زنده، در دنیای پیرامون او و در محیطی قرار دارند که وی قبلاً آن را تجربه کرده است. نظریه اسکینر بر اساس "مهارکردن رفتار" استوار است. وی در نظریات خود اصولی مانند فراگیری، خاموش‌سازی، بهبود خودبه‌خودی، تأمین و تقویت شرطی را بیان می‌کند .باید

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

توجه داشت، علی‌رغم اینکه رویکرد رفتارگرایی به دلیل توجه نداشتن به فرایندهای درونی و ذهنی، مورد انتقاد قرار می‌گیرد، اما اصول برگرفته از این نظریه، مانند: تقویت، تنبیه، خاموشی، شکل‌دهی رفتار، اصلاح رفتار و... در تدریس و کلاس درس می‌تواند کمک‌های قابل‌توجهی به معلمین می کن. جایگاه رویکرد رفتارگرایی در نظام آموزشی جایگاه هر رویکرد در نظام آموزشی تا حد زیادی به هدف‌هایی مربوط می‌شود که آن رویکرد، تحقق آن‌ها را در کانون توجه خود قرار می‌دهد. هدف اصلی همه رویکردهای یاددهی - یادگیری، تغییراتی است که در اثر تجربه در رفتار پدید می‌آیند. در رویکرد رفتارگرایی رفتار به آنچه از فرد سر می‌زند و قابل‌مشاهده و اندازه‌گیری است اطلاق می‌شود و تجربه نیز عبارت است از آنچه محیط به ما می‌دهد. این یافته‌ها از دیدگاه اسکینر حاصل شده‌اند. برخی از دیدگاه‌های اسکینر در این زمینه عبارت‌اند: ماهمان کسی هستیم که برای بودنش تقویت شدیم. آنچه را ما "شخصیت" می‌نامیم چیزی نیست؛ جز الگوهای رفتاری ثابت، که خلاصه تاریخچه تقویت ما نام دارند (اسمیت، اسکینر و رید[1]، ۲۰۲۰).

در واقع مربیان از روش‌ها و مواد آموزشی مبتنی بر مفروضات متافیزیکی اسکینر برای تحقق اهداف سنتی بهره می‌گیرند. برخلاف بسیاری از نظریه‌پردازان، اسکینر (۱۹۶۸)برای تفسیر خود از شرطی‌سازی کنشگر، مسائل تعلیم‌وتربیت کودکان را موردتوجه و بررسی قرارداد. او با تأکید فراوان، معلمان را تشویق می‌کرد تا از اصول شرطی‌سازی کنشگر "عمل کنند، از ۲ در کلاس‌های درسی استفاده کنند. در واقع اسکینر اعتقاد داشت که اگر معلمان همانند"مهندسان رفتار کارآمدی بالاتری برخوردار خواهند شد. معلم به‌عنوان یک مهندس رفتار، رفتارهای دانش‌آموزان، پی‌آمدها یا محرک‌های پس آیندی را موردتوجه و مشاهده قرار می‌دهد. پس با استفاده از دانش و اطلاعات خود، به افزایش یا کاهش نیرومندی رفتار یعنی فراوانی، طول مدت یا شدت رفتار اقدام می‌کند. اسکینر با بسط قانون اثر ثوراندیک، به این نتیجه رسید، رفتاری که در پی آن یک رویداد مطلوب ارائه شود، آن رفتار نیرومند یا تقویت خواهد شد و اگر فرد برای دریافت این رویداد مطلوب به انجام رفتار موردنظر دست زند، پس این رفتار، قابل دست‌کاری و کنترل خواهد بود. اسکینر، بسیار علاقه‌مند بود که نظریه یادگیری خود را در فرایند آموزش‌وپرورش به کار بندد. به نظر اسکینر، یادگیری در صورتی به بهترین وجه انجام می‌گیرد که الف) اطلاعاتی که قرار است آموخته شوند در گام‌های کوچک ارائه گردند، ب) به یادگیرندگان درباره

[1] Smith,Skinner & Read

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

یادگیری‌شان بازخورد قوی داده شود و پ) یادگیرندگان بتوانند با سرعت متناسب خود یاد بگیرند . رویکرد وی به برنامه‌ریزی آموزشی، از برنامه‌ریزی خطی نظریه یادگیری او استخراج شده‌اند. 1 :گام‌های کوچک: یادگیرندگان در هر مرحله با مقدار اندکی از اطلاعات مواجه می‌شوند و به طور مرتب از یک قاب یا یک ماده اطلاعاتی به قاب دیگر پیش می‌روند. 2 .پاسخ‌دهی آشکار: از آنجا پاسخ‌دهی آشکار ضرورت دارد که بتوان پاسخ‌های درست یادگیرندگان را تقویت کرد و پاسخ‌های نادرستشان را اصلاح نمود. 3 .بازخورد فوری: بلافاصله پس از پاسخ‌دهی به یادگیرندگان گفته می‌شود که پاسخشان درست بوده است یا نه. این بازخورد فوری برای پاسخ‌های درست، نقش تقویت و برای پاسخ‌های نادرست، نقش اصلاحی را ایفا می‌نماید. 4 .سرعت شخصی: منظور از سرعت شخصی این است که یادگیرندگان در طول برنامه با سرعت متناسب با توانایی خود جلو می‌روند. در واقع، در این نوع برنامه آموزشی، قاب‌ها در یک خط مستقیم و به دنبال هم قرار می‌گیرند و همه یادگیرندگان همه قاب‌ها را مطالعه می‌کنند و به سؤال‌های آن پاسخ می‌دهند. در این روش، تفاوت یادگیرندگان قوی و ضعیف در سرعت مطالعه آنان منعکس می‌شود؛ یعنی یادگیرندگان قوی به‌سرعت، مطالب قاب‌ها را می‌خوانند و پیش می‌روند درحالی‌که یادگیرندگان ضعیف به‌وقت بیشتری نیاز دارند. علاوه بر برنامه آموزشی خطی، برنامه معروف دیگری وجود دارد که "برنامه آموزشی شاخه‌ای" نام‌گرفته است. در این برنامه نیز قاب‌های اصلی در یک خط مستقیم به دنبال هم قرار می‌گیرند، اما افزون بر آن از هریک از قاب‌های اصلی، یک یا چند قاب ترمیمی یا اصلاحی نیز انشعاب می‌یابد (اسکینر،۱۹۸۸).

۲- نظریه یادگیری رفتارگرایی

همان‌طور که از نام این نظریه برمی‌آید، تأکید اصلی بر رفتار قابل‌مشاهده است. این نظریه، ذهن را به‌عنوان یک "جعبه سیاه" در نظر می‌گیرد که در آن پاسخ‌ها به یک محرک خارجی با نادیده‌گرفتن فرایندهای تفکر که در ذهن رخ می‌دهد، می‌تواند به طور کمّی مشاهده شود .

این نظریه بر مبنای مفهومی است که یادگیری یک عملکرد تغییر در رفتار آشکار است که نتیجه پاسخ فردی به یک محرک یا رویداد (مانند حل یک مسئله ریاضیات) است .

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

این نظریه بر تأثیر شرطی‌سازی مانند شرطی‌سازی کنشگر تأکید دارد که در آن تقویت یک رفتار محرک - پاسخ، فرد را برای پاسخ‌دهی شرطی می‌کند .تقویت، هر چیزی است که سبب ایجاد پاسخ مطلوب می‌شود. به‌عنوان‌مثال، تحسین، پاداش یا نمره خوب. این نظریه بر یک الگوی رفتاری جدید متمرکز است که تا زمان خودکار شدن، تکرار می‌شود (معتمدی بر آبادی و نوروززاده،۱۳۹۸).

مکانیزم‌های نظریه یادگیری رفتارگرایی

- **تقویت مثبت یا پاداش در نظریه یادگیری رفتارگرایی :**پاسخ‌هایی که پاداش داده می‌شوند احتمالاً تکرار می‌شوند. به‌عنوان‌مثال، نمرات خوب، مطالعه دقیق را تقویت می‌کنند.
- **تقویت منفی در نظریه یادگیری رفتارگرایی :**پاسخ‌هایی که از موقعیت‌های دردناک و نامطلوب اجتناب می‌کنند، احتمالاً تکرار می‌شوند.
- **خاموشی یا عدم تقویت در نظریه یادگیری رفتارگرایی :**پاسخ‌هایی که تقویت نمی‌شوند احتمالاً تکرار نمی‌شوند. برای مثال، نادیده‌گرفتن سوءرفتار دانش‌آموز این رفتار را از بین می‌برد.
- **تنبیه در نظریه یادگیری رفتارگرایی :**پاسخ‌هایی که عواقب دردناک یا نامطلوب به همراه دارند، سرکوب می‌شوند؛ اما اگر تقویت تغییر کند، ممکن است دوباره ظاهر شوند. به‌عنوان‌مثال، تنبیه یادگیرندگانی که با تأخیر به کلاس می‌آیند با سلب امتیازات، تأخیر آن‌ها را متوقف می‌کند (هرمیک و شمسودین،۲۰۱۷[۱]).

کاربردهای نظریه یادگیری رفتارگرایی در آموزش‌وپرورش

[۱] & Shamsudheen Hernik

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

طبق قانون پاداش ثرندایک در نتیجه پیامد مطلوب رفتار، پیوند بین محرک و پاسخ نیرومند می‌شود. طبق این قانون اگر در حضور یک محرک رفتاری انجام بگیرد و به نتیجه مطلوبی برسد (پاداش دریافت کند) آن رفتار آموخته می‌شود، یعنی یک‌بار دیگر که آن محرک ظاهر شود به آن پاسخ داده خواهد شد .

مثلاً اگر کودک در کلاس اول، بارها با رفتار محبت‌آمیز معلم مواجه شود، هر روز صبح با اشتیاق و شادی به مدرسه می‌رود، اما اگر در همان روزهای اول با خشونت معلم و کارکنان مواجه شود علاقه‌ای به درس و مدرسه نخواهد داشت (بروک،[1] ۲۰۲۰).

اسکینر نیز معتقد است که اقداماتی چون بیان دقیق اهداف آموزشی و تأکید بر اهداف به‌صورت رفتاری، تدارک وابستگی‌های تقویت و تأکید بر تقویت‌های بیرونی و ثانویه مانند ستایش کلامی، بیانات چهره‌ای مثبت و سازمان‌دهی آموزشی از مطالب ساده به پیچیده، نقش مهمی در فرایند یادگیری دارد .

نظریه رفتارگرایی از یادگیری برای اصلاح رفتار در مدیریت کلاس درس، در شرایط بالینی و در توسعه آموزش برنامه‌ریزی شده قابل‌استفاده است .

در محیط‌های یادگیری حمایت شده با تکنولوژی، تغییر آشکار در رفتار در فعالیت‌های تکرار و تمرین و ارزیابی تکوینی نمایان است که بازخورد فوری و مثبت، تمایل به ادامه فعالیت را تا پایان تقویت می‌کند.

این موارد، اشکال آموزش برنامه‌ریزی شده هستند که در آن، تمرین به‌صورت سؤال (محرک)- جواب (پاسخ) شکل می‌گیرد، دانش‌آموز را در معرض یادگیری در مراحل تدریجی قرار می‌دهد که با سؤالات ساده‌تر شروع می‌شود (برای تقویت مثبت) و به‌تدریج به سمت سؤالات دشوارتر پیش می‌رود (اصغری، خادمی و وصالی،۱۴۰۰).

۳- مکانیسم‌های نظریه یادگیری رفتارگرایی

[1] Brock

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

- **تقویت مثبت یا پاداش در نظریه یادگیری رفتارگرایی** :پاسخ‌هایی که پاداش داده می‌شوند احتمالاً تکرار می‌شوند. به‌عنوان‌مثال، نمرات خوب، مطالعه دقیق را تقویت می‌کنند.
- **تقویت منفی در نظریه یادگیری رفتارگرایی :**پاسخ‌هایی که از موقعیت‌های دردناک و نامطلوب اجتناب می‌کنند، احتمالاً تکرار می‌شوند.
- **خاموشی یا عدم تقویت در نظریه یادگیری رفتارگرایی** :پاسخ‌هایی که تقویت نمی‌شوند احتمالاً تکرار نمی‌شوند. برای مثال، نادیده‌گرفتن سوءرفتار دانش‌آموز این رفتار را از بین می‌برد.
- **تنبیه در نظریه یادگیری رفتارگرایی :**پاسخ‌هایی که عواقب دردناک یا نامطلوب به همراه دارند، سرکوب می‌شوند؛ اما اگر تقویت تغییر کند، ممکن است دوباره ظاهر شوند. به‌عنوان‌مثال، تنبیه یادگیرندگانی که با تأخیر به کلاس می‌آیند با سلب امتیازات، تأخیر آن‌ها را متوقف می‌کند (ضیایی و نمازیان دوست،۲۰۱۹).

۴- مهم‌ترین نظریه‌های یادگیری رفتارگرایی

- **نظریه‌ی بازتابی پاولف**

- در نظریه‌ی بازتابی پاولف، مجاورت یک محرک با محرک دیگر و اختصاص پاسخ یکی از آن‌ها به دیگری براثر تکرار، یک دگرگونی پدید می‌آورد و موجب یادگیری می‌شود. به این جهت نظریه‌ی بازتابی را یادگیری محرک – محرک نیز نامیده‌اند. در این نظریه، تقویت‌کننده، محرک اصلی است که همراه محرک شرطی می‌آید و به دوام و استمرار رفتار اثر می‌بخشد. تعمیم محرک هنگامی نمودار می‌گردد که وقتی موجود زنده نسبت به شخصی، شیئی یا امری شرطی شد نسبت به موارد مشابه هم همان پاسخ را می‌دهد. درصورتی‌که در تخصیص محرک در میان محرک‌های مشابه، فقط به یکی از آن‌ها، نه

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

به همه، پاسخ داده می‌شود. پاولف در نظریه‌ی بازتابی خود به تفاوت‌های فردی آزمودنی‌ها پی برد که خود یک برداشت مهم تربیتی به شمار می‌آید. همچنین در این نظریه می‌توان با واکنش‌های هیجانی همچون علاقه‌مندی و بی‌علاقگی، یا عشق و نفرت، نگرش مثبت و منفی یا مساعد و نامساعد نسبت به معلّم، تحصیل علم؛ دانش و مواد درسی به وجود آورد (والکر[1]،۲۰۱۷).

- **نظریه‌ی رفتارگرایی واتسون**

- واتسون، پیشرو نظریه‌ی رفتارگرایی است. وی به نظریه‌ی بازتابی پاولف علاقه فراوان داشت؛ اما رفتارگرایی را نه‌تنها به یک‌رشته فرایندهای بازتابی، بلکه به یادگیری و ویژگی‌های شخصیتی گسترش داد. واتسون پژوهش‌های خود را به جنبه‌های مشهود زندگی اختصاص داد تا بتواند رفتار را به نحوی آشکار، بررسی و ارزیابی کند. به اعتقاد واتسون، روان‌شناسی برای این‌که به‌صورت علم درآید، به موضوعی نیاز دارد که به‌گونه‌ای باثبات قابل‌اندازه‌گیری باشد و آن موضوع رفتار است. واتسون یادگیری را بر اساس نظریه و نظام پاولف توصیف می‌کرد که محرکی براثر همراه شدن با محرک دیگر درنتیجه تکرار، آن پاسخ را به خود اختصاص می‌دهد. به‌عبارت‌دیگر محرک طبیعی یا محرک غیرشرطی که پاسخ طبیعی را به دنبال دارد، در اثر همراهی با محرک شرطی و درنتیجه تکرار باعث بروز همان پاسخ خواهد شد (ابراهیمی، اکبری و تقی‌زاده، ۱۴۰۰).

- **نظریه شرطی‌شدن عامل اسکینر**

- نظریه‌ی شرطی‌شدن عامل به‌وسیلهٔ اسکینر در اواخر نیمه اول قرن بیستم مطرح گردید. اعتقاد او بر این بود که روان‌شناسی باید علم رفتار مشهود باشد و وی یادگیری را به‌صورت تغییر در احتمال وقوع رفتار تلقی می‌کرد که در بیشتر موارد این تغییر درنتیجهٔ شرطی‌شدن عامل، پدید می‌آمد. شرطی‌شدن عامل

[1] Walker

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

به آن‌گونه آموختنی‌هایی اطلاق می‌شود که احتمال وقوع پاسخ آن‌ها بیشتر باشد. منظور از عامل یک‌رشته رفتاری است که موجود زنده درباره‌ی امری انجام می‌دهد. نظر اسکینر دررابطه‌با شرطی‌شدن عامل بر این است که رفتار باید پیش از محرک یا تقویت‌کننده قرار گیرد، نه پس‌ازآن؛ زیرا براثر رفتار است که پاداش حاصل می‌شود. تقویت عامل، در بهبود و پیشرفت رفتار مؤثر است. از این راه یک‌رشته حرکاتی انجام می‌شود که براثر تقویت عامل، احتمال تکرار این حرکات افزایش می‌یابد. رویکرد رفتارگرایی برای مدت پنج دهه عرصه‌ی تعلیم‌وتربیت را تحت‌تأثیر قرارداد. توجه به رفتار بیرونی به پیدایش روش‌های خاصی در مدیریت کلاس، یادگیری و یاددهی، سنجش و ارزشیابی، برنامه درسی و شیوه نگاه به دانش‌آموز و معلم منجر شد (اکپان[1]، ۲۰۲۰).

۵- کاربردهای نظریه یادگیری رفتارگرایی در آموزش‌وپرورش

- طبق قانون پاداش ثرندایک درنتیجهٔ پیامد مطلوب رفتار، پیوند بین محرک و پاسخ نیرومند می‌شود. طبق این قانون اگر در حضور یک محرک، رفتاری انجام بگیرد و به نتیجه مطلوبی برسد (پاداش دریافت کند) آن رفتار آموخته می‌شود (اگر یک‌بار دیگر آن محرک ظاهر شود، به آن پاسخ داده خواهد شد). مثلاً اگر کودک در کلاس اول، بارها با رفتار محبت‌آمیز معلم مواجه شود، هر روز صبح با اشتیاق و شادی به مدرسه می‌رود، اما اگر در همان روزهای اول با خشونت معلم و کارکنان مواجه شود علاقه‌ای به درس و مدرسه نخواهد داشت.
- اسکینر نیز معتقد است که اقداماتی چون بیان دقیق اهداف آموزشی، تأکید بر اهداف به‌صورت رفتاری، تدارک وابستگی‌های تقویت، تأکید بر تقویت‌های بیرونی و ثانویه (مانند ستایش کلامی، بیانات چهره‌ای مثبت) و درنهایت سازمان‌دهی آموزشی از مطالب ساده به پیچیده، نقش مهمی در فرایند یادگیری دارد.

[1] Akpan

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

- نظریه رفتارگرایی از یادگیری برای اصلاح رفتار در مدیریت کلاس درس، در شرایط بالینی و در توسعه آموزش برنامه‌ریزی‌شده، استفاده می‌کند.
- در محیط‌های یادگیری حمایت‌شده با تکنولوژی، تغییر آشکار در رفتار در فعالیت‌های تکرار، تمرین و ارزیابی تکوینی نمایان است؛ چراکه بازخورد فوری و مثبت، تمایل به ادامه فعالیت را تا پایان تقویت می‌کند (ایشمن و کانوی،[1] ۲۰۱۷).

۶- نقدهای وارد بر نظریه یادگیری رفتارگرایی

- اصلی‌ترین نقد وارد بر نظریه‌ی رفتارگرایی این است که آن‌ها نقش عوامل درونی و ذهنی افراد را در بروز رفتار نادیده می‌گیرند (فلاسفه خردگرا مانند دکارت، لایپ نیتس و کانت با این نگرش مخالف هستند). در دیدگاه رفتاری، این فرض نهفته، وجود دارد که پیوند بین محیط و رفتار مستقیم است؛ اما این دیدگاه رفتارگرایی مورد چالش قرار گرفته است، به‌ویژه توسط روان‌شناسان شناختی که معتقدند؛ افکار، انتظارها و آنچه فرد بدان توجه می‌کند بر نحوه رفتارکردن او تأثیر می‌گذارد (نجفی،۱۳۹۸).
- روان‌شناسان گشتالت (نظیر کافکا) در مقام مخالفت با رفتارگرایان اظهار می‌داشتند که درست نیست رفتارهای ظاهری را با یادگیری برابر بدانیم. به ادعای آنان تعریف فیزیولوژیکی رفتار لزوماً به معنای آن نیست که امر یادگیری حاصل شود، بلکه یادگیری بدون تغییرات محسوس و مشهود در رفتار هم امکان‌پذیر است و این امر در بسیاری از موارد صدق می‌کند.
- کورت لوین معتقد است که رفتارگرایی بیشتر به پیش‌بینی‌های آماری متکی است و جامعیت ندارد و نمی‌تواند رفتار یک فرد معین در یک موقعیت خاص را پیش‌بینی کند

[1] & Conway Ashman

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

- براند بالنشارد با طرد تعریف آگاهی، با شیوه برخورد رفتارگرایان با این موضوع مخالفت کرد. او هدف رفتارگرایی را مردود می‌دانست و معتقد بود رفتارگرایی حیات انسان را بی‌معنی می‌سازد
- نوام چامسکی معتقد است که رویکردهای رفتارگرایی عموماً منتج به شکست می‌شوند؛ چراکه تنها با ویژگی‌های روساختی گفتار سروکار دارند (هراسیم[1]،۲۰۱۷).

۷- جمع بندی و نتیجه گیری رویکرد رفتارگرایی:

- یادگیری: تغییر در رفتار قابل‌مشاهده و اندازه‌گیری آن و ایجاد و تقویت رابطه‌ی پیوند بین محرک و در پاسخ در سیستم عصبی انسان
- نقاط تأکید: رفتار
- متغیرهای اساسی: محرک، تقویت، تنبیه، عادت، اهداف رفتاری
- نظریه‌پردازان: واتسون، گاتری، ثرندایک، اسکینر

- **دیدگاه رفتارگرایان:**
  - یادگیری عبارت است از فرایند تغییرات نسبتاً پایدار حاصل از تجربه در رفتار بالقوهٔ یادگیرنده
- **ویژگی‌های برنامه آموزشی:**
  - بیان هدف‌های آموزشی به طور واضح و روشن
  - منفعل و اثرپذیر بودن فراگیر

[1] Harasim

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

- رسیدن به نتیجه مطلوب نه آنچه در ذهن فراگیر رخ می‌دهد

- **نقش معلم:**
  - محور و مرکز یادگیری
  - آماده‌کردن محتوای یادگیری به ترتیب و توالی مناسب
  - فراهم‌کردن محیط یادگیری برای بروز رفتار مطلوب
  - فراهم‌کردن آزمون‌های دقیق
  - استفاده از روش‌های زنجیره کردن، تقویت
  - مثبت و منفی، خاموشی
  - نادیده‌گرفتن فعالیت‌های ذهنی
  - تقویت پاسخ‌های فراگیران با تشویق
  - ارائه‌دادن محتوای مشخص، محدود، کم دامنه، قابل‌اندازه‌گیری
  - استفاده از سخنرانی و تمرین‌های هدایت‌شده

- **نحوه ارزشیابی:**
  - امتحانات کلاسی، نهایی، آزمون‌های پیشرفت تحصیلی با انواع سؤالات عینی

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

- اندازه‌گیری کمیت یا کیفیت رفتارهای بیرونی از طریق مشاهده تمرین و تکرار (رینمن،[1]۲۰۱۸).

۸- یادگیری و نظریه‌های یادگیری

یادگیری فرایندی پیچیده است که افراد از دیدگاه‌های مختلف به بررسی آن پرداخته‌اند و هر یک جنبه‌ای از **یادگیری** انسان را به تصویر کشیده است. در یک تقسیم‌بندی نظریه‌های یادگیری را به چهار نظریه **رفتارگرایی، شناخت‌گرایی، سازنده‌گرایی و ارتباط گرای** تقسیم کرده‌اند که در این مقاله به معرفی این نظریه‌ها، مفاهیم مهم و کاربردهای هر یک در آموزش خواهیم پرداخت.

۹- نظریه یادگیری رفتارگرایی

همان‌طور که از نام این نظریه برمی‌آید، تأکید اصلی بر رفتار قابل‌مشاهده است. این نظریه، ذهن را به‌عنوان یک "جعبه سیاه" در نظر می‌گیرد که در آن پاسخ‌ها به یک محرک خارجی با نادیده‌گرفتن فرایندهای تفکر که در ذهن رخ می‌دهد، می‌تواند به طور کمّی مشاهده شود (جعفرپور،۱۳۹۷).

این نظریه بر مبنای مفهومی است که یادگیری یک عملکرد تغییر در رفتار آشکار است که نتیجه پاسخ فردی به یک محرک یا رویداد (مانند حل یک مسئله ریاضیات) است .

این نظریه بر تأثیر شرطی‌سازی مانند شرطی‌سازی کنشگر تأکید دارد که در آن تقویت یک رفتار محرک - پاسخ، فرد را برای پاسخ‌دهی شرطی می‌کند .تقویت، هر چیزی است که سبب ایجاد پاسخ مطلوب می‌شود. به‌عنوان‌مثال، تحسین، پاداش یا نمره خوب. این نظریه بر یک الگوی رفتاری جدید متمرکز است که تا زمان خودکار شدن، تکرار می‌شود (مکلد،[2]۲۰۱۷).

[1] Reimann
[2] McLeod

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

۱۰- مکانیزم‌های نظریه یادگیری رفتارگرایی

- **تقویت مثبت یا پاداش در نظریه یادگیری رفتارگرایی :**پاسخ‌هایی که پاداش داده می‌شوند احتمالاً تکرار می‌شوند. به‌عنوان‌مثال، نمرات خوب، مطالعه دقیق را تقویت می‌کنند.
- **تقویت منفی در نظریه یادگیری رفتارگرایی :**پاسخ‌هایی که از موقعیت‌های دردناک و نامطلوب اجتناب می‌کنند، احتمالاً تکرار می‌شوند.
- **خاموشی یا عدم تقویت در نظریه یادگیری رفتارگرایی :**پاسخ‌هایی که تقویت نمی‌شوند احتمالاً تکرار نمی‌شوند. برای مثال، نادیده‌گرفتن سوءرفتار دانش‌آموز این رفتار را از بین می‌برد.
- **تنبیه در نظریه یادگیری رفتارگرایی :**پاسخ‌هایی که عواقب دردناک یا نامطلوب به همراه دارند، سرکوب می‌شوند؛ اما اگر تقویت تغییر کند، ممکن است دوباره ظاهر شوند. به‌عنوان‌مثال، تنبیه یادگیرندگانی که با تأخیر به کلاس می‌آیند با سلب امتیازات، تأخیر آن‌ها را متوقف می‌کند (براو، فاکس و رابینسون،[۱] ۲۰۲۰).

۱۱- کاربردهای نظریه یادگیری رفتارگرایی در آموزش‌وپرورش

طبق قانون پاداش ثرندایک در نتیجه پیامد مطلوب رفتار، پیوند بین محرک و پاسخ نیرومند می‌شود. طبق این قانون اگر در حضور یک محرک رفتاری انجام بگیرد و به نتیجه مطلوبی برسد (پاداش دریافت کند) آن رفتار آموخته می‌شود، یعنی یک‌بار دیگر که آن محرک ظاهر شود به آن پاسخ داده خواهد شد .

مثلاً اگر کودک در کلاس اول، بارها با رفتار محبت‌آمیز معلم مواجه شود، هر روز صبح با اشتیاق و شادی به مدرسه می‌رود، اما اگر در همان روزهای اول با خشونت معلم و کارکنان مواجه شود علاقه‌ای به درس و مدرسه نخواهد داشت .

[۱] Brau, Fox & Robinson

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

اسکینر نیز معتقد است که اقداماتی چون بیان دقیق اهداف آموزشی و تأکید بر اهداف به‌صورت رفتاری، تدارک وابستگی‌های تقویت و تأکید بر تقویت‌های بیرونی و ثانویه مانند ستایش کلامی، بیانات چهره‌ای مثبت و سازمان‌دهی آموزشی از مطالب ساده به پیچیده، نقش مهمی در فرایند یادگیری دارد .

نظریه رفتارگرایی از یادگیری برای اصلاح رفتار در مدیریت کلاس درس، در شرایط بالینی و در توسعه آموزش برنامه‌ریزی شده قابل‌استفاده است .

در محیط‌های یادگیری حمایت شده با تکنولوژی، تغییر آشکار در رفتار در فعالیت‌های تکرار و تمرین و ارزیابی تکوینی نمایان است که بازخورد فوری و مثبت، تمایل به ادامه فعالیت را تا پایان تقویت می‌کند.

این موارد، اشکال آموزش برنامه‌ریزی شده هستند که در آن، تمرین به‌صورت سؤال (محرک)- جواب (پاسخ) شکل می‌گیرد، دانش‌آموز را در معرض یادگیری در مراحل تدریجی قرار می‌دهد که با سؤالات ساده‌تر شروع می‌شود (برای تقویت مثبت) و به‌تدریج به سمت سؤالات دشوارتر پیش می‌رود (اشمن و کانوی،۲۰۱۷).

۱۲- روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نوع مروری بوده و از متون کتابخانه‌ای و پایگاه‌های اطلاعاتی مختلف برای تدوین مقاله استفاده شده است. مقاله مروری در یک موضوع؛ تحقیق را به‌گونه‌ای خلاصه و سازماندهی می‌کند که بتواند به دیگران در فهم و تجمیع آن موضوع کمک کند. یک مقاله مروری دانش زمینه‌ای لازم در آن موضوع را به‌عنوان یک فرض در نظر می‌گیرد و به آن نمی‌پردازد و در عوض به طبقه‌بندی تحقیقات انجام شده در آن موضوع و دورنمای آن موضوع‌های خوب سازماندهی شده تحقیقاتی پیشین در آینده و ارزیابی و مقایسه راهکارها و روش‌های موجود می‌پردازد و هدف آن، فراهم‌کردن یک دیدگاه به‌خوبی سازماندهی شده و کامل از کارهای انجام شده در یک موضوع تحقیقی است. پژوهش حاضر از نوع مروری است، چرا که در آن به بررسی نظریه یادگیری و کاربرد آن، رفتارگرایی، مکانیزم‌های یادگیری و ... پرداخته شد. این اطلاعات و

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

منابع به شیوه کتابخانه‌ای از تمامی منابع معتبر شامل کتاب، مقاله‌ها و مجله‌ها، سایت‌ها، نشریه‌های رسمی و مطبوعات مورد بررسی قرار گرفته و اطلاعات مفید، از همه آنها استخراج شد.

بحث و نتیجه گیری

یادگیری و آموزش در محیط‌های پیچیده امروزی نیازمند توجه به ابعاد و فاکتورهای متفاوتی است. همان‌طور که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت هر یک از نظریه‌های یادگیری از جنبه‌ای فرایند یادگیری و عوامل مؤثر بر آن را تحلیل نموده‌اند. همان‌طور که در کتاب گذار در بحران آمده است:

"مسئله مهم در معماری مطلوب و آینده آموزش آن است که رویکردهای کلان مختلف تعلیم‌وتربیت، با محوریت رویکرد یا دیدگاه سازنده گرا، ضمن پوشش و استفاده از دیدگاه‌های شناختی و رفتارگرا در جایگاه مناسب آن‌ها، در پهنه تعلیم‌وتربیت رقم می‌خورد؛ و بر خلاف رویکرد موجود در رویکرد رفتارگرا منحصر و محدود نمی‌شود".

رفتارگرایی بر جنبه‌هایی آشکار و عواملی مانند تقویت، تنبیه و هدف‌های آشکار تأکید دارد، نظریه شناخت‌گرایی بر ذهن و آنچه در آن اتفاق می‌افتد تأکید می‌کند، نظریه سازنده‌گرایی به طراحی محیط‌های یادگیری مبتنی بر مسئله می‌پردازد و در نهایت نظریه ارتباط‌گرایی که بر ایجاد ارتباط بین گره‌ها و ایجاد شبکه‌ها تأکید دارد.

امروزه رویکرد تلفیقی در استفاده از این نظریه‌ها مورد تأکید بیشتری قرار گرفته است به‌نحوی‌که تأکید صرف بر یکی از این نظریه‌ها اشتباه بوده و باید متناسب با شرایط از اصول مختلف این نظریات استفاده کرد.

"در روال استاد و شاگردی، نه با سازوکارهای رفتارگرایی مطلق در آموزش عمومی در قالب یادگیری برنامه‌ای اسکینری نظیر کتاب درسی، نمره، رتبه و نظایر آن محقق می‌شود؛ بلکه سازوکارهای رفتارگرای جوهری با استفاده از هدف‌گذاری مناسب، سنجش، نظارت، بازخوردهای مناسب برای تشویق و تنبیه (بخصوص برای ایجاد انگیزش درونی و لذت‌بردن شاگرد از یادگیری و ارتقای خصوصیات خود، و نه انگیزه‌های کاذب نظیر نمره)، متناسب با احوالات و شرایط و خصوصیات هر شاگرد، می‌تواند این روال را رقم بزند." درحالی‌که "همه مدارس، با رویکردی صنعتی به‌صورت همسان، رویکرد ابلاغی

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

کتاب‌های درسی را اجرا می‌کنند و این رویکرد در پهنه رویکرد تعلیم‌وتربیت رفتارگرای مطلق یا رادیکال، یادگیری برنامه‌ای اسکینری را مبنای روش تعلیم‌وتربیت قرار می‌دهد".

منابع

مطالعات روان‌شناسی و علوم .سعیده. (۱۴۰۰). بررسی نظریه‌های شخصیت در علوم تربیتی ابراهیمی، اکبری، انسیه و تقی‌زاده، .155-168 ,(4)67 ,*تربیتی (مؤسسه آموزش عالی نگاره)*

و سیامک، وصالی، (۱۴۰۰). شباهت‌ها و تفاوت‌های نظریه‌های یادگیری رفتارگرایی، شناخت‌گرایی و اصغری، خادمی -35 ,(1)1 *پژوهش در آموزش علوم‌تجربی*، .برساخت‌گرایی از دیدگاه شانک

پژوهش در نظام‌های .عبداللهی. (۱۳۹۵). تبیین فلسفهٔ یادگیری با تأکید بر نظریهٔ یادگیری وینچ پناهی، قائدی، یحیی، ضرغامی و .181-208 ,(36)11 *آموزشی*،

.203-214 ,(4)45 *مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی*، .جعفرپور. (۱۳۹۷). تأثیر سنجش و ارزشیابی در یادگیری

مطالعات روان‌شناسی و .ملکی. (۱۳۹۶). روش‌های تدریس و خواندن (توجه به نظریه‌های یادگیری و خواندن) سارلی و زبیده، .1-18 ,(3)15 *علوم تربیتی*،

شیری، اشرفی فرد، حورا، کرمی، زارعی و گندم‌کار. (۱۳۹۹). نظریه رفتارگرایی شرطی‌سازی کنشگر و کاربرد آن در آموزش .39-42 ,(17)13 *رویش در آموزش علوم پزشکی*، .پزشکی

-54 ,(2)11 *پژوهش در آموزش علوم پزشکی*، .نجفی، ح. (۱۳۹۸). مقایسه تأثیر آموزش به روش ترکیبی و سنتی در یادگیری 63.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

Brau, B., Fox, N., & Robinson, E. (2020). Behaviorism. *The Students' Guide to Learning Design and Research*.
Brock, R. (2020). Connectionism—Edward Thorndike. In *Science Education in Theory and Practice* (pp. 101-112). Springer, Cham.
Harasim, L. (2017). *Learning theory and online technologies*. Routledge.
Harasim, L. (2017). *Learning theory and online technologies*. Routledge.
Hernik, M., & Shamsudheen, R. (2017). Learning theories.
McLeod, S. A. (2017). Behaviorist approach.
Seel, N. M., Lehmann, T., Blumschein, P., & Podolskiy, O. A. (2017). *Instructional design for learning: Theoretical foundations*. Springer.
Skinner, B. F. (1988). *The selection of behavior: The operant behaviorism of BF Skinner: Comments and consequences*. CUP Archive.
Smith, A. C., Skinner, J., & Read, D. (2020). *Philosophies of organizational change: perspectives, models and theories for managing change*. Edward Elgar Publishing.
Walker, S. (2017). *Learning theory and behaviour modification*. Routledge.
Ziafar, M., & Namaziandost, E. (2019). From Behaviorism to New Behaviorism: A Review Study. *Loquen: English Studies Journal*, *12*(2), 109-116.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

فصلنامه ایده های نوین روانشناسی
دوره ۱۵، شماره ۱۹، زمستان سال ۱۴۰۱

Investigating the philosophical foundations of behaviorist learning theory

Roya Davoodi Shandiz[1]

Abstract

Philosophical behaviorism is one of the branches of physicalism. Physicalism is a theory that either considers the ego and egoistic states to be unreal (eliminationist physicalism) or considers them to have no reality other than material things (reductionist physicalism). Philosophical behaviorism is a type of reductionist physicalism based on which the ego and ego states are considered to be identical with the external behavior of humans. This theory is based on three points of view: psychological behaviorism, researchability theory of meaning and Wittgenstein's theory of private language. Learning is a complex process that people have investigated from different perspectives and each one has depicted an aspect of human learning. In a division, learning theories have been divided into four theories: behaviorism, cognitivism, constructivism, and communicationism. Accordingly, in this article, a brief overview of the basics of behaviorist learning theory was discussed.

Keywords: learning theory, behaviorism, psychological behaviorism

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

[1] PhD student in Philosophy of Education, Islamic Azad University, Science and Research Unit, Iran